

روابط ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) ایران و هند و عوامل همگرایی و واگرایی آن

علیرضا محرابی^۱، قاسم عباسیان^{۲*}، سروش نیک منش^۳

^۱ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه راهبرد شمال، رشت، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

چکیده:

اقیانوس هند، به عنوان تسهیل کننده تجارت جهانی و جریان آزاد انرژی از نقش ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای برخوردار بوده و کناره‌های آن، در محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباط زمینی که آسیای شرقی و جنوب شرقی و آسیای جنوبی و... را به آفریقا، اروپا و هند متصل می‌سازد، قرار دارد. ایران و هند دو کشور مهم در منطقه بوده و در طول تاریخ با یکدیگر روابط تنگاتنگی داشته‌اند، از این رو ژئواکونومیک این دو کشور با یکدیگر ارتباط ویژه‌ای داشته و بررسی و شناخت عوامل موثر بر آن، حائز اهمیت است. در پژوهش پیش رو که ماهیتی بنیادی دارد و در پی یافتن واقعیت‌ها و شناخت بازتاب‌های برخاسته از کنش متقابل جغرافیا، اقتصاد و سیاست است و با بهره‌گیری از روش تفسیری تحلیلی در پژوهش، به بررسی اثر ژئوپلیتیک ایران در مناسبات اقتصادی با کشور هند پرداخته شده است. با مطالعه اهم مفاهیم پیرامون موضوع مذکور که از مسائل مهم سیاست خارجی و سازمان‌های بین‌المللی است و همچنین از آنجا که میزان ارتباط با دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی یکی از نمادهای توسعه یافتگی یک کشور می‌باشد، در پژوهش حاضر ارتباط بین روابط اقتصادی ایران و هند با جایگاه ژئواستراتژیک ایران و عوامل واگرا و همگرایی موثر در توسعه اقتصادی دو کشور پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که کشور ایران می‌تواند به عنوان پیوند دهنده ارتباط بین کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز با کشور هند باشد و انتظار می‌رود که شاهد افزایش چشمگیری در تقویت همگرایی بین ایران و کشور هند باشیم.

کلیدواژه: ژئوپلیتیک، شمال اقیانوس هند، سیاست‌گذاری اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

قرن بیست و یکم را اقتصاددانان و استراتژیست‌های بزرگ، حوزه آسیا-پاسیفیک می‌دانند که در این محدوده نیمی از جمعیت کره زمین زندگی می‌کنند و این محدوده به عنوان بازار بزرگ مصرف جهان، تولید ثروت و سرمایه، پیدایش و مهد تولید فناوری‌های نوین محسوب می‌شود. به همین دلیل آمریکا، بخش عمده‌ای از توجه و تمرکز خود را در این سده به این منطقه اختصاص داده تا هم بتواند از منافع سرشار اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره، نهایت استفاده را نماید و هم رفتار بازیگران بزرگ منطقه‌ای نظیر هند، چین، ژاپن و روسیه را کنترل و نظارت کند و همچنین کشور جمهوری اسلامی ایران که در بحث ژئواستراتژی و رقابت بین قدرت‌های بزرگ و بحری قرار داشته و به لحاظ موقعیت جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از طرفی به‌عنوان بیضی استراتژیک انرژی نامگذاری شده، در کانون توجه خود قرار دهد (زارعی، ۱۳۹۷، ص ۳۰).

اهمیت کنونی اقیانوس هند به واسطه مسیرها و تنگه‌های راهبردی منتهی به آن است. منطقه جغرافیایی اقیانوس هند، به دلیل دارا بودن منابع معدنی و نفت، با قرارگیری میان سه کانون اقتصاد جهانی (جنوب شرق آسیا، اتحادیه اروپا و آمریکای شمالی) از اهمیت بالایی برخوردار است چنانکه بازار مصرفی بزرگی به دلیل جمعیت زیاد، وجود آبراهه‌های پرتردد برای تجارت بین‌المللی دریایی شامل کانال سوئز در مصر، باب المندب (مرز جیبوتی و یمن)، تنگه هرمز (مرز ایران و عمان) و تنگه مالاکا (مرز اندونزی و مالزی) را داراست و به‌عنوان مسیرهای مهم در تجارت جهانی نفت، گسترش قابلیت‌های نظامی و اقتصادی کشورها در این منطقه، افزایش همکاری‌ها و در مجموع رقابت قدرت‌های نوظهور را در نظر می‌توان گرفت (Medcalf, 2013). فعالیت در عرصه گسترده شمال اقیانوس هند با وجود رقابتی قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مستلزم شناخت کامل از عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار خصوصاً در منطقه شمال اقیانوس هند و تدوین سیاست‌گذاری‌های متناسب با آن است (ثقفی عامری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

هند، به‌عنوان کشوری بزرگ و رو به توسعه با بیشترین سواحل و بنادر مهم در شمال اقیانوس هند و رقابت‌های ریشه‌دار با پاکستان، همواره خواستار حضور جدی در این پهنه جغرافیایی بوده است. پاکستان نیز با توجه به داشتن دو بندر اصلی خود، یعنی گوادر و کراچی در حاشیه این اقیانوس و انعقاد قراردادهای توسعه بنادر خود با چین، تلاش‌های زیادی برای پررنگ کردن حضور خود در این منطقه، صورت داده است. جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به این‌که این منطقه یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت کالا و نفت کشور بوده است، طی سالیان گذشته با اتخاذ سیاست‌گذاری‌های خاص، به دنبال نقش‌آفرینی ویژه در این منطقه می‌باشد. اقدامات این کشورها و دیگر کشورهای منطقه برای پررنگ کردن حضور منطقه‌ای و نقش‌آفرینی خود به منظور کسب افزایش منزلت جهانی، همگی نشان از اهمیت نقش عوامل ژئوپلیتیکی در این منطقه حساس، یعنی شمال اقیانوس هند (جنوب، شرق و جنوب شرق آسیا) دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۶۳).

در هر حال، واقعیت این است که در شرایط کنونی، رقابت‌ها در خصوص تسلط بر حوزه شبه قاره هند در حال افزایش بوده که نتیجه آن رقابت بین قدرت‌های خارجی را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که حوزه شبه قاره هند با محوریت کشور هند و حضور چین در این منطقه، باعث شکل‌گیری رقابت و قطب‌بندی‌های جدیدی گردیده است. از طرفی کشور پاکستان، در پی مشارکت برای سرمایه‌گذاری در زمینه حمل و نقل، ترانزیت و اتصال ریلی و جاده‌ای بندر گوادر به بندر چابهار با کشور ایران است که اولویت ایران در این زمینه همکاری با چین می‌باشد (Raza, ۲۰۱۹).

از آنجایی که ایران و هند دو کشور مهم در منطقه بوده و در طول تاریخ با یکدیگر روابط تنگاتنگی داشته‌اند، از این رو ژئواکونومیک این دو کشور با یکدیگر ارتباط ویژه‌ای داشته است (حافظ، ۱۳۹۹، ص ۵۹).

به همین دلیل، آنچه از اهمیت بیشتری در روابط اقتصادی دو کشور ایران و هند، برخوردار می‌باشد دخالت قدرت‌های بزرگ در چگونگی تعیین مسیرهای انتقال انرژی و تسلط بر این مسیرها در حوزه شبه قاره هند است. به‌عنوان نمونه می‌توان به دخالت‌های رقابت‌آمیز در ارتباط با خط لوله صلح ایران-پاکستان و هند که مانع از رشد و توسعه عملی این پروژه گردیده، اشاره نمود (آدمی، ۱۳۸۹، ص ۷).

شناخت میزان تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی حوزه شمال اقیانوس هند، به نوعی زیربنای تدوین سیاست‌گذاری‌های خاص (در عرصه اقتصادی) جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که نشان‌دهنده تأثیر این عوامل بر تدوین سیاست‌گذاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، در صورتی که این عوامل برای یک کشور در حوزه و مناطق همجوار شناسایی شوند، به‌عنوان گام مهمی در تشخیص محیط پیرامونی برای تدوین سیاست‌گذاری‌های مناسب می‌باشد.

بنابراین با توجه به این‌که تدوین سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مناسب در حوزه شمال اقیانوس هند، مستلزم شناخت عوامل ویژه ژئوپلیتیکی حوزه شمال اقیانوس هند و بررسی تأثیر آن عوامل بر تدوین سیاست‌گذاری‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد لذا مقاله حاضر با ((هدف، کمک به سیاست‌گذاری‌ها و ایجاد بستر لازم علمی جهت پیوند ژئوپلیتیکی بین کشور هند با منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، انجام گرفته است.)) نوشتار حاضر به دنبال شناخت عوامل همگرایی و واگرایی اقتصادی (به عنوان متغیرهای مورد نظر) و مسیرهای اصلی ترانزیت کالا و نفت کشور را به عنوان مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی منطقه مزبور و همچنین ارتقاء منزلت ژئوپلیتیکی کشور ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تکنولوژی کشور هند و اتصال ایران از طریق این کشور به اقتصاد جهانی را بر سیاست‌گذاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران موثر می‌داند.

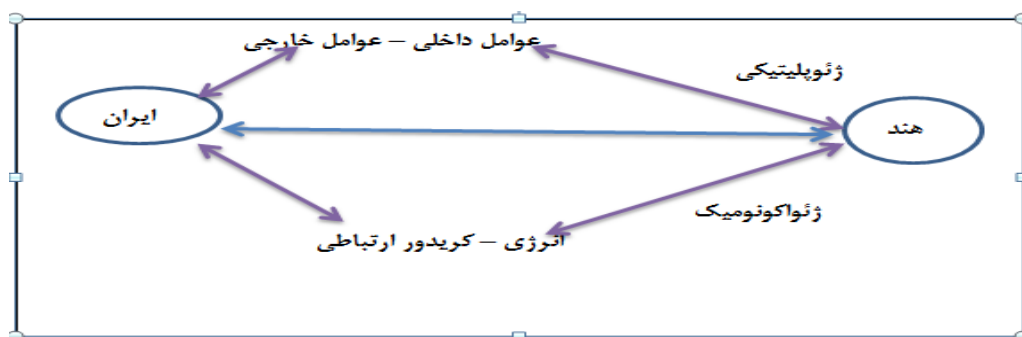
در این راستا پرسش‌های زیر مورد توجه بوده است :

سوال اصلی تحقیق ((مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی در سیاست‌گذاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال اقیانوس هند و به طور خاص هند کدامند؟)) سوالات فرعی تحقیق ((چه عواملی در واگرایی‌های اقتصادی ایران با هند تأثیر گذارند؟ عوامل تأثیرگذار در همگرایی اقتصادی ایران با هند کدام است؟))

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر ماهیتی بنیادی دارد و در پی یافتن واقعیت‌ها و شناخت بازتاب‌های برخاسته از کنش متقابل جغرافیا، اقتصاد و سیاست است. برپایه چنین هدفی، با بهره‌گیری از روش تفسیری تحلیلی در پژوهش، ضمن پرداختن به رابطه میان متغیرها به تحلیل آن‌ها نیز می‌پردازد. از این رو دو فرضیه برای این پژوهش تعریف شده است؛ ۱. کشور هند به عنوان مهمترین کشور شبه قاره هند نقش موثری در تقویت همگرایی بیشتر ایران با کشورهای منطقه داشته و از عوامل واگرایی موجود در ارتباط بین کشورهای که با یکدیگر همسایه هستند با یکدیگر و با سایر کشورهای منطقه بکاهد. ۲. به همراه ظهور مفهوم ژئواکونومی در دوره معاصر و ضرورت استراتژی‌های اقتصادی بر استراتژی‌های نظامی، انتظار می‌رود میزان همگرایی بین دو کشور هند و ایران در حیطه‌های مختلف افزایش یابد. در رابطه با جایگاه ژئواستراتژیک ایران و نقش آن در جغرافیای سیاسی هند و ویژگی‌های

خاص آن مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارشات و . . . در مراکز آموزش عالی کشور و همچنین دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه منتشر گردیده است ولی در رابطه با تاثیر جغرافیای سیاسی ایران در مناسبات اقتصادی با هند، مطلب دیگری منتشر نشده است. این پژوهش هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی - استقرایی است. با توجه به تحقیقات صورت پذیرفته و نگارش پایان‌نامه‌های در حوزه جغرافیای سیاسی ایران و همچنین جغرافیای سیاسی هند محدودیت قابل توجهی بر سر راه محقق وجود نداشته است. متغیرهای پژوهش حاضر عبارتند از: متغیر وابسته: روابط اقتصادی ایران و هند. متغیر مستقل: جایگاه ژئواستراتژیک ایران و عوامل واگرا و همگرایی موثر در توسعه اقتصادی. مدل فرایند روش انجام این پژوهش نیز به شکل زیر ترسیم شده است:

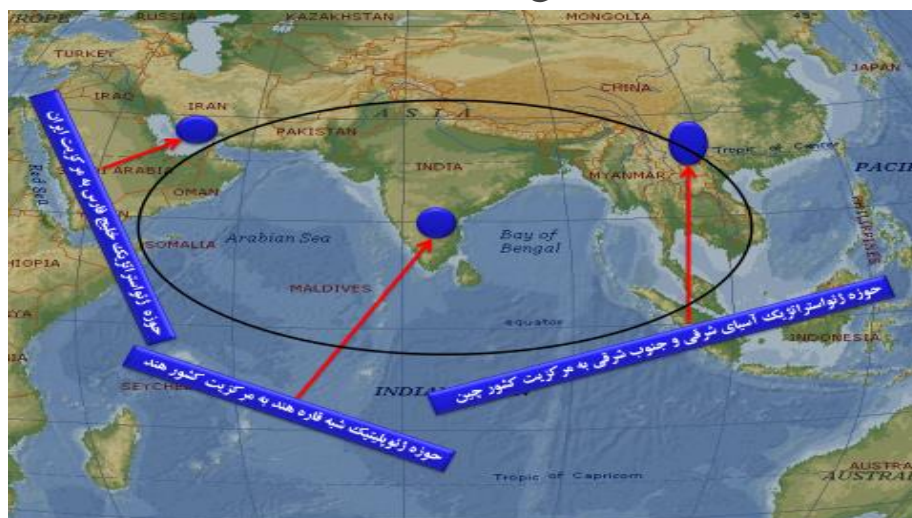


شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق)

۱- مبانی نظری

۱-۱- نظریه سیستم ژئوپلیتیکی جهان :

مطابق نظریه کوهن، در حوزه شمال اقیانوس هند (موضوع مورد تحقیق) سه قلمرو حساس وجود دارد :



نقشه ۱: شمال اقیانوس هند (منبع: آژانس بین المللی انرژی)

- حوزه ژئواستراتژیک شرق و جنوب شرق آسیا: در حال حاضر کشور چین با طرح راه ابریشم دریایی، سرمایه گذاری در مناطق مهم بندری (گوادر)، تلاش برای ورد به خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند، قلمروگستری دریایی در دریای چین جنوبی، تلاش و توسعه ناوگان دریایی و... در چارچوب تلاش برای ورود قدرتمند به عرصه قلمروهای آبی است (به عبارتی حرکت در چارچوب قدرت بحری)

- حوزه شبه قاره هند به عنوان منطقه ژئوپلیتیک: هفت کشور واقع در شبه قاره هند به عنوان تشکیل دهنده منطقه ژئوپلیتیک شامل کشورهای افغانستان، پاکستان، هند، مالدیو، سریلانکا، بنگلادش، میانمار، نپال و بوتان است. در این حوزه، اختلافات اساسی بر روی قلمرو و همچنین اختلافات مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی تمرکز دارد (Cohen, 2015 : 331). در این حوزه کشور هند نقش فعالی را ایفاء می نماید.

- حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به عنوان حوزه ژئواستراتژیک: اهمیت خلیج فارس در اعصار تاریخی به عنوان بزرگترین و مهمترین انبار انرژی جهان، دارای موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بی نظیری بوده است، البته خلیج فارس کماکان نیز با اهمیت است؛ ولی اگر نقش آن تنها به واسطه انرژی است؛ این نقش به دلیل خودکفایی آمریکا در عرصه انرژی، پیدا شدن مناطق رقیب و کم رنگ جایگاه انرژی (به مرور) دیگر بی نظیر نیست. در این حوزه ژئواستراتژیک، کشورهای ایران و عربستان نقش فعالی را ایفاء می نمایند. شمال اقیانوس هند از منظر سیاست خارجی و همچنین سیاست دفاعی برای بسیاری از قدرت ها، نظیر ایالات متحده بسیار حائز اهمیت می باشد (klar, 2007 : 210). خلیج فارس به عنوان یکی از شاخک های عملیاتی ژئواستراتژی اقیانوس هند تلقی می شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸).

۲-۱- نظریه همگرایی

نظریه های همگرایی را به لحاظ این که به دنبال شناخت چه چیزی هستند، می توان در سه مرحله قرار داد: مرحله نخست، مربوط به دهه ۱۹۶۰ به بعد است که همگرایی اروپا در حال شکل گیری است. مرحله دوم، مربوط به دهه ۱۹۸۰ به بعد است. محققان این دوره به دنبال تجزیه و تحلیل زمامداری شکل گرفته در اروپا هستند. مرحله سوم، مربوط به دهه ۱۹۹۰ به بعد است که اتحادیه اروپا ساخته شده است. محققان این دوره می خواهند ارتباط میان همگرایی با سایر مسایل را بررسی کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ص ۷).

همگرایی فرایندی است که از طریق آن بازیگران سیاسی از ملیت های متمایز وفاداری ها، انتظارات و اقدامات سیاسی خود را به سوی مرکز جدیدی که دارای نهادهای فراملی است انتقال می دهند. فرجام این فرایند شکل گیری جامعه سیاسی جدیدی است که در موقعیتی فراتر از سایر جوامع سیاسی قرار دارد (Moyer, 2012).

هاس اظهار می دارد که اگر گروه هایی تخصصی از یک منطقه خاص باشند احتمال دستیابی به همگرایی بیشتر از زمانی است که سازمانی متشکل از نمایندگان سراسر دنیا پدید آید (Dougherty, J, Pfaltzgraff, R. L, 2009).

کشورها به صورت انفرادی از هر زمان دیگری ضعیف تر هستند. بسیاری از آنها از نظر اقتصادی شکننده و از نظر سیاسی بی ثبات هستند یا برخی نیز از هر دو وضع، رنج می برند. بنابراین کشورها برای تامین امنیت و سعادت و خوشبختی خود ناگزیر از همکاری و همگرایی نسبت به یکدیگر هستند (Patti, Charles, 2002, 467).

۱-۳- نظریه واگرایی

در این نظریه تضادها و تعارضها توسعه می‌یابد. هر چند روابط دوجانبه و چندجانبه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ممکن است بین اجزاء وجود داشته باشد ولی الگوهای مناقشه، گسترش یافته و فضای بحران بر منطقه حاکم می‌شود. در این گونه مناطق، شکاف‌های ایجاد شده بین اجزاء و دولت‌های منطقه، فرصت‌های مناسبی را برای مداخله‌گران و بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم می‌کنند (Huntington, 1999, 47).

۱-۴- نظریه پیرامون - مرکز

همانند تمامی مدل‌های محور پیرامون اشارات ضمنی بر این است که محور استثمار می‌کند، پیرامون استثمار می‌شود. اما این بدان معنی نیست که مناطق هم‌دیگر را استثمار می‌کنند بلکه به این علت فرآیندهای مختلفی است که در مناطق مختلف عمل می‌کند. فرآیندهای محوری و پیرامونی انواع ارتباطات پیچیده، تولید می‌کند. به‌طور ساده باید گفت که فرآیندهای محوری شامل ارتباطی می‌شوند که از ترکیب مزدهای نسبتاً بالا، تکنولوژی پیشرفته و یک مجموعه تولیدی متنوع به‌وجود آمده‌اند. درحالی‌که فرآیندهای پیرامونی شامل مزدهای پایین تکنولوژی ابتدایی و یک مجموعه تولیدی ساده است. برای درک بهتر موضوع لازم است بدانیم که این فرآیندهای ناشی از تولید یک محصول خاص نیستند (ویسی، ۱۳۹۴).

۲- اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی منطقه شمال اقیانوس هند

اقیانوس هند محل تلاقی سه قاره بزرگ آسیا، اقیانوسیه و آفریقا به‌صورت مستقیم و دو قاره آمریکا و اروپا از طریق مسیرها و کانال‌های ارتباطی است. از این‌رو این حوزه به‌عنوان یکی از آبراه‌های مهم بین‌المللی در جهان محسوب می‌گردد. نقش اقیانوس هند در صحنه عملیاتی جنگ سرد بر مبنای محور نظامی قرار داشت که در دوران رقابت‌های دو ابرقدرت یعنی آمریکا و شوروی، رقابت‌های تسلیحاتی و منازعات در مناطق ژئوپلیتیکی آن، سبب گردیده که جغرافیای این اقیانوس به جغرافیای نظامی تغییر کارکرد پیدا نماید. دریای عمان و خلیج فارس نیز از نظر ژئواستراتژیک به‌عنوان یکی از زیرسیستم‌های اصلی اقیانوس هند مطرح می‌باشد. آغاز داد و ستد میان جهان شرق و جهان غرب از مسیر دریایی اقیانوس هند، نشان دهنده اهمیت استراتژیک این اقیانوس در دوران گذشته است. حمل و ترانزیت بالغ بر ۹۰ درصد انرژی در اقیانوس هند و قرار گرفتن چندین آبراه و تنگه بین‌المللی مهم و استراتژیک در مسیر این اقیانوس، اهمیت اقیانوس هند را دوچندان نموده است (عسکریان، ۱۳۹۲).

وجود جزایر سوق‌الجیشی و حساس و همچنین بنادر و سواحل استراتژیک و فعال در امور تجاری و بازرگانی در طول این اقیانوس، بر اهمیت این آبراه بین‌المللی افزوده است. دریای آندامان، دریای عمان، خلیج بنگال، خلیج فارس و خلیج عدن، از مهم‌ترین آب‌هایی هستند که از این اقیانوس انشعاب می‌گیرند (متقی، ۱۳۹۵).

دریاهای مرتبط با اقیانوس هند شامل خلیج عدن، خلیج آندامان، دریای عربی، خلیج بنگال، خلیج بزرگ استرالیا، دریای لاکادیو، خلیج منار، کانال موزامبیک، دریای عمان، خلیج فارس، دریای سرخ و سایر انشعابات آبی می‌باشد. همچنین این اقیانوس از طریق کانال مصنوعی سوئز و سرخ به دریای مدیترانه متصل می‌شود. اقیانوس هند، مسیرهای دریایی مهمی را تشکیل می‌دهد که خاورمیانه، آفریقا و آسیای شرقی را به اروپا و آمریکا متصل می‌نماید. به ویژه حجم زیادی از نفت و محصولات نفتی میادین نفتی

خلیج فارس و اندونزی از طریق این اقیانوس منتقل می‌شود. منابع عظیم هیدروکربنی در سواحل عربستان، ایران، هند و استرالیای غربی قرار گرفته‌اند. تقریباً ۴۰٪ از تولید نفت خام دریایی جهان از طریق اقیانوس هند منتقل می‌شود (شریعت‌پناهی، ۱۳۹۶).

۳- عوامل همگرا در روابط بین ایران و هند

جایگاه ایران در سیاست خارجی هند بیش از همه بر اساس نقش این کشور در تأمین امنیت انرژی و اقتصاد در حال رشد هند و در مراتب بعد گشودن راهی برای دسترسی این کشور به بازارهای آسیای مرکزی و روسیه تعریف شده است. افزون بر این نقش، ایران در موازنه قدرت مطلوب هند در منطقه به ویژه در افغانستان نیز با اهمیت دیده شده است. عرصه همکاری و همگرایی دو کشور را می‌توان در موضوع‌های مهم زیر جست‌وجو نمود:

۱- نفی جهان تک قطبی: تغییر ساختار نظام بین‌الملل که با افزایش قدرت هند در عرصه بین‌المللی، این شکاف عمیق‌تر نیز خواهد شد. ۲- همکاری اقتصادی: حوزه‌های انرژی، ترانزیت و فناوری ۳- امنیت منطقه‌ای ۴- روابط سه جانبه ایران - پاکستان و هند ۵- تروریسم بین‌الملل (احمدی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹).

ایران به هند باید هم از نگاه کشوری که به شدت نیازمند به منابع انرژی به ویژه گاز است، بنگرد و از سوی دیگر کشوری که سطح فناوری و بازار بزرگ تولید و مصرف آن ظرفیت بزرگی است که ایران می‌تواند از آن بهره لازم برای فرآیند توسعه خود را ببرد. ملت هند، ملت علاقه‌مند به ملت ایران است که این سنگ‌بنای فرهنگی به سده‌های بسیار دور گذشته باز می‌گردد. این عامل مهم ژئوکالچری ایران به عنوان بستر مناسب برای توسعه و تعامل دو کشور، می‌تواند از بعد سیاسی و اقتصادی بهره لازم را برد که تا کنون نزد دولتمردان دو کشور و به دلیل موانع خارجی مغفول باقی مانده است. (Singh, 2019)

آنچه که روابط ایران و هند را راهبردی می‌سازد وجود توافقات اقتصادی-تجاری فراوانی است که بین دو کشور، منعقد شده است. تدارک سالانه ۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع * LNG در درازمدت، توسعه نفت ارسی و بلوک‌های گازی، میدان گاز پارس جنوبی و پروژه گاز طبیعی مایع، ساخت انبارهای بزرگ در بندر چابهار و راه آهن چابهار- زرنج می‌باشند. همچنین شرکت کود شیمیایی مدرس، پالایشگاه چنای، شرکت هندی گروه ESSAR و شرکت نفت و گاز طبیعی ویدش VONGC مشغول سرمایه‌گذاری در ایران هستند. استیت بانک هندوستان در تهران دفتر نمایندگی دارد و هند عضو پروژه‌های بین‌المللی کریدور جنوب- شمال می‌باشد. دو کشور مراحل توافقنامه حفاظت و تشویق سرمایه‌گذاری دو جانبه و توافقنامه لغو مالیات دو برابر DTAA را امضاء کردند (Ar, Thirlwell, 2010:86).

از آنجایی که هند در سال‌های اخیر به یک قدرت منطقه‌ای و بازیگر کلیدی جهانی در نظام بین‌الملل تبدیل شده و جزیی از تحولات اقتصادی جهان در آینده خواهد بود؛ می‌تواند با این مؤلفه‌ها مورد توجه ایران نیز باشد. بنابراین نحوه تعامل ایران با هند از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که هند از دیرباز به دلیل پیوندهای فرهنگی طولانی مدتی که از لحاظ سنتی با ایران دارد می‌تواند منافع گسترده‌ای در گسترش روابط تجاری خصوصاً در زمینه انرژی داشته باشد.

۴- عوامل واگرا در روابط ایران و هند

از جمله اقداماتی که هندی‌ها طی سال‌های اخیر انجام داده‌اند که نشان‌دهنده فاصله‌گیری هند از ایران است عبارتند از: رای مثبت هند در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، خودداری از مشارکت و پیگیری قرارداد خط لوله گاز، خودداری شرکت‌های هندی از فروش بنزین به ایران و اقدام اخیر هند مبنی بر اینکه معاملات با ایران باید خارج از سیستم اتحادیه پایاپای آسیایی حل و فصل گردد که باعث گردیده نوعی سردی بر روابط دو کشور حاکم شود (2012 Green,). اما در مقابل روابط هند و آمریکا و به تبع آن بحران هسته‌ای ایران، نقش بازیگران ثالث مثل اعضای شورای همکاری خلیج فارس و برخی تعارضات و رویکردهای متفاوت دو کشور مثل سیاست‌ها در قبال رژیم اسرائیل از جمله عوامل محدودساز روابط دو کشور محسوب می‌گردد. از آن جا که پیگیری چنین هدفی تعارض‌آمیز است، کاهش سطح روابط با ایران در حد امکان، بر مبنای معادله هزینه-فایده در زمینه مصلحت راهبردی هند قرار دارد. البته این بدان معنا نیست که محققین هندی از ترجیح کامل روابط با آمریکا بر روابط با ایران جانبداری می‌کنند، بلکه تأکید دارند که گسترش حداکثری روابط با آمریکا و حفظ حداقلی از روابط با ایران در شرایط کنونی، گزینه ممکن سیاست خارجی هند است (Martiningui, 2011). در این بین، تسلط عمل‌گرایی در سیاست خارجی هند و نیز مکتوبات پژوهشگران هندی، سبب شده تا جملگی گسترش روزافزون روابط این کشور با آمریکا را رویکردی مناسب در زمینه توسعه این کشور تلقی کنند. در این میان وضعیت مناسب در سیاست خارجی هند، توسعه روابط با هر دو کشور ایران و آمریکا است. از این نگاه و رویکرد هندی‌ها می‌توان به مزیت‌سنجی هندیان در تنظیم رابطه خود با ایران و آمریکا، پی برد. آمریکا به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فناورانه که هندوستان بسیاری از مزیت‌های خود از جمله توسعه اقتصادی، بهبود شرایط امنیتی، مقابله با تروریسم، موازنه با چین و پاکستان و غیره را در گرو آن می‌بیند. اما ایران را مزیتی انرژی و دارای موقعیت سرپلی با دسترسی مناسب به افغانستان، آسیای مرکزی و اروپا می‌بیند که البته در بخش انرژی دارای بدیلی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس است و در بخش موقعیت، دسترسی و سرپلی نیز قابل جایگزین با مزیت‌های گسترده ایالات متحده نیست. بنابراین چین رابطه گسترده و بدون ملاحظات با آمریکا و حتی اسرائیل داشته و روابطش با ایران را نیز با احتیاط و ملاحظات این دو بازیگر، تنظیم می‌کند. روابط ایران و هند معجونی از تقابل و تعامل است.

البته این موضوع را نباید از نظر دور داشت، هند امروز بیشتر علاقه‌مند به نزدیکی و روابط با آمریکا است. بخش مهمی از توسعه یافتگی و رشد اقتصادی سریع هند ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که آمریکا در رأس این فعالیت و مشارکت قرار دارد. آمریکا در صدد است تا هند فاصله خود را با دو کشور بیشتر سازد، نخست با روسیه که از زمان اتحاد جماهیر شوروی تاکنون یک رابطه صمیمی و پایداری بین دو کشور وجود داشته و هند همواره بازار فروش محصولات نظامی شوروی و روسیه امروز بوده است، این کشور را به سمت محصولات نظامی خود جهت داده و هند رو به رشد امروز به یقین خواهان محصولات نظامی بیشتری برای بازار بزرگ اسلحه فردا خواهد بود. دوم ایران و ظرفیت انرژی و بازار بزرگ مصرف این کشور که می‌تواند بخش مهمی از نیازهای انرژی هند و محصولات تولیدی هند را در بازار خود جذب کند (حافظ نیا، ۱۳۹۹).

به نظر می‌رسد آمریکا در دراز مدت به این دو هدف به طور کامل اما تا حدود زیادی دست یابد. همان‌طور که مانع انتقال گاز ایران از خط لوله صلح پاکستان به هند شد و هر دو کشور را منصرف از گاز ایران نمود. همکاری و سرمایه‌گذاری آمریکا در

اقتصاد دانش‌بنیان هند، همکاری رو به توسعه آمریکا در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای هند، تلاش آمریکا برای جایگزینی هند به جای چین و افزایش میزان سرمایه‌گذاری آمریکا در هند و نگران از چین به عنوان یک قدرت جهانی در حال تهدید آمریکا در آینده و جذب FDI* شرکت‌های آمریکایی در زیر ساخت‌های هند، آرام آرام زمینه‌های لازم برای تجدید نظر در روابط هند و روسیه و ایران را فراهم خواهد ساخت. باید امروز به این نکته توجه کنیم که ایران تنها کشور دارنده انرژی و تأمین کننده انرژی هند نیست (کمتر از ۸ درصد انرژی هند به وسیله ایران تأمین می‌شود) (Ashwarya, 2010).

امروز هند می‌تواند نیازهای انرژی خود را از سراسر دنیا تهیه کند و ایران تنها کشوری نیست که می‌تواند به هند جهت دست یافتن به بازار آسیای مرکزی و قفقاز کمک کند (ویسی، ۱۴۰۰). روابط نزدیک هند و افغانستان و سرمایه‌گذاری هند در این کشور و عبور خط لوله تاپی از افغانستان به گرمی روابط این دو کشور افزوده و افغانستان یکی از کریدورها و مسیرهای کوتاه هند در آینده به آسیای مرکزی خواهد بود هرچند هند فاقد مرز زمینی با افغانستان است، اما بندر چابهار و خط آهن چابهار-زرنج می‌تواند مشکل دسترسی هند به افغانستان را مرتفع سازد و ضمن تسلط بر بازار افغانستان از طریق این کشور می‌تواند به کشورهای شمال افغانستان یعنی ترکمنستان و تاجیکستان نیز دسترسی به بازار نسبتاً بزرگ و آینده بر رونق منطقه داشته باشد. سیاست امنیتی هندوستان نسبت به پاکستان حضور در کشورهای همسایه پاکستان و برقرار ساختن روابط نزدیک با همسایگان رقیب سرسخت چند دهه اخیر هند است. با توجه به قدرت نظامی برتر هند و رشد سریع اقتصادش و روابط گرم سیاسی با افغانستان و ایران در حال تحقق چنین رویکرد امنیتی درگیر شدن با پاکستان در کشورهای همسایه است (Hilali, 2001).

ایران از منظر هند کشور راهبردی است که در صورت کاهش تخصماتش با آمریکا می‌تواند مورد بهره‌برداری وسیع هند قرار گیرد و به فرآیند رشد هند کمک کند، اما در شرایط حاضر با احتیاط و نگاه به آمریکا روابط اقتصادی و بازرگانی و خرید نفت خود از ایران را تنظیم می‌نماید. زیرا هند هر مقدار بتواند با ایران روابط اقتصادی خود را توسعه دهد به میزان ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و روابط مشترک اقتصادی بین آمریکا و هند نمی‌رسد که دو کشور با برنامه‌ریزی و برداشتن موانع در پی تحقق آن هستند، حال آن که کل میزان سرمایه‌گذاری هند در ایران به ۵۰۰ میلیون دلار آن هم در منطقه چابهار با قصد توسعه صادرات این کشور به مناطق پیرامونی ایران می‌رسد.

عرصه تقابل مولفه‌هایی که به واگرایی روابط ایران و هند کمک می‌کند می‌توان این گونه برشمرد: ۱- تعاملات فزاینده غرب گرایی هند که در دوره نوین گرفتار آن است ۲- گسترش حوزه نفوذ اسرائیل که به دلیل نزدیکی بیشتر هند و آمریکا، روابط خارجی هند و اسرائیل مستحکم تر نیز از این پس خواهد شد ۳- مسئله کشمیر و درگیری‌های جهت دار هند با مسلمانان که قطعاً ایران در قبال آن واکنش نشان خواهد داد. با تمام این مسائل، هند خواهان خرید نفت و گاز ایران است. با این حال هند در حال حاضر سه معامله بزرگ با ایران دارد: ۱- قرارداد ۲۵ ساله عرضه ۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع ۲- خطوط لوله صلح که با مخالفت جدی آمریکا و اسرائیل روبه رو و در حال رهاسازی است ۳- اکتشاف میادین نفت و گاز ایران. ایران نیز به هند به عنوان کشوری که به شدت نیازمند به منابع انرژی به ویژه گاز است، می‌نگرد و از سوی دیگر کشوری که سطح فناوری و بازار بزرگ تولید و مصرف آن ظرفیت بزرگی است که ایران می‌تواند از آن بهره لازم برای فرایند توسعه خود را ببرد. هند با وجود تخصم تاریخی با

پاکستان، از نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر سر بازیگران منطقه شمال اقیانوس هند از جمله سریلانکا، بنگلادش، میانمار، مالزی، اندونزی و ایران برخوردار است. هدف اصلی هند در استراتژی نظامی، مهار تهدیدهای چین، حفظ برتری استراتژیک بر پاکستان، تبدیل شدن به یک قدرت برتر دریایی در اقیانوس هند می‌باشد. مردم ایران و پاکستان از دین مشترکی برخوردارند و همین مسئله خود عنصر کلیدی در سیاست خارجی پاکستان در قبال ایران می‌باشد. دولتمردان پاکستان معتقدند که ایران همسایه ای مهم و ژئواستراتژیک است. این دو کشور در مسائل منطقه ای و بین المللی مختلفی با هم همکاری دارند. لیکن به رغم همکاری در بسیاری موارد، ایران و پاکستان دیدگاه های متفاوتی درباره مسائلی همچون؛ افغانستان، سلاح هسته ای و قاچاق مواد مخدر از آن کشور به ایران، نیز دارند. از بدو تاسیس پاکستان تاکنون، همیشه مناسبات ایران و پاکستان تحت تاثیر معادله ای قرار داشته است که هند در آن مهمترین مفروض شناخته می‌شود. افغانستان نیز یکی دیگر از مؤلفه های تعیین کننده مناسبات ایران و پاکستان بوده و خواهد بود (Christensen, ۲۰۱۱).

به نظر می‌رسد ایران همیشه بر سر دوراهی انتخاب پاکستان یا هند قرار داشته است و در مقابل پاکستان به دلیل همسایگی خود با هندوستان و مشکلاتی که با این کشور دارد، همواره برای همزیستی مسالمت آمیز با هر رژیمی در ایران، تلاش نموده است. هر چند که در بسیاری موارد در باطن به ظاهر زیبای این همزیستی، خطرات بالقوه بسیاری را نیز برای منافع ملی ایران به وجود آورده است. بنابراین ایران برای پاکستان نوعی موازنه بسیار سنگین در قبال هندوستان است و تمامی رژیم‌های حاکم بر پاکستان، گرچه مطلعند که به راحتی می‌توانند از مسئله بلوچستان ایران به نفع خود بهره‌برداری کنند، اما آگاهند که در آن صورت از موازنه حمایت ایران از این کشور در مقابل هند، محروم خواهند شد. از سوی دیگر رقابت‌هایی که پاکستان در دهه ۱۹۹۰ میلادی با ایران در افغانستان پی‌گیری کرده است، نشان از آن دارد که ارتش این کشور در راستای خواست و منافع ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک آمریکا در منطقه حتی از اقدام علیه ایران روی گردان نیست، هر چند که سیاستمداران آن کشور از چنین رویارویی بخواهند جلوگیری کنند (زارعی، ۱۳۹۷، ص ۳۲۸).

۵- صادرات گاز ایران به شبه قاره هند

احداث خط لوله از مناطق عمیق اقیانوس هند به دلیل هزینه بالا و نیاز به وجود تکنولوژی پیشرفته، عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. احداث خط لوله از مناطق کم عمق ساحل عملاً همان مخاطرات امنیت خط لوله خشک را دارد و علاوه بر آن نیز از نظر اقتصادی هزینه بیشتری را (در زمان ساخت و هنگام بهره‌برداری) به دنبال خواهد داشت. بنابراین، احداث خط لوله انتقال گاز از خاک پاکستان به هند علی‌رغم داشتن هزینه‌های بالا، می‌تواند در صورت اجرایی شدن مسیر لوله انتقال گاز، مشکلات انرژی پاکستان را نیز مرتفع نماید. در این خصوص ایران و پاکستان برای احداث خط لوله، گاز طبیعی بین حوزه، انی پارس جنوب و کراچی (مهمترین بندر صنعت پاکستان) یک موافقت‌نامه مقدماتی امضاء نمودند. پس از مدتی ایران امتداد این خط لوله به هند را نیز پیشنهاد نمود. با این پیشنهاد پاکستان می‌تواند از صادرات گاز ایران بهره‌برده و همچنین از منافع آن به عنوان یک کشور انتقال دهنده گاز به هند سود جوید. در ابتدا دولت هند به انعقاد قرارداد با پاکستان با توجه به اختلافات دیرینه میان دو کشور همسایه چندان رغبت نشان نداد. اما در مقابل از احداث یک لوله زیردریایی که از امنیت بیشتری در مقایسه با طرح اولیه برخوردار بود، استقبال کرد (مرکز مطالعات انرژی، ۱۳۸۵).

در آوریل ۱۹۹۹ میلادی دولت‌های ایران و هند با تاسیس یک کمیتهٔ دوجانبه متشکل از مقامات ذیربط دولت، مطالعه امکان‌سنجی فنی و اقتصادی خط لوله را آغاز نمودند. در سپتامبر ۱۹۹۹ میلادی شرکت ملی گاز ایران هیئتی را به منظور تهیه گزارش امکان‌سنجی پروژه با همکاری شرکت *GAIL و وزارت نفت هند به این کشور، اعزام نمود (باقری، ۱۳۹۴).

در سال ۲۰۰۰ میلادی مقامات رسمی ایران، پاکستان و هند مذاکرات خود را در خصوص مسیرهای ممکن و روش‌های مختلف انتقال و مسائل جغرافیای سیاسی خط لولهٔ گاز طبیعی ایران به هند را مجدداً از سر گرفتند. انجام این مذاکرات نشانگر ایجاد تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های بین منطقه‌ای این دولت‌ها بود. سود حاصله از توسعه بالقوه اقتصاد، سه دولت ایران، هند و پاکستان را مجبور می‌نماید تا خط مشی خود را در اختلافات منطقه‌ای مانند کشمیر افغانستان و مسائل امنیت ملی مورد تجدید نظر قرار دهند (Maleki, 2007).

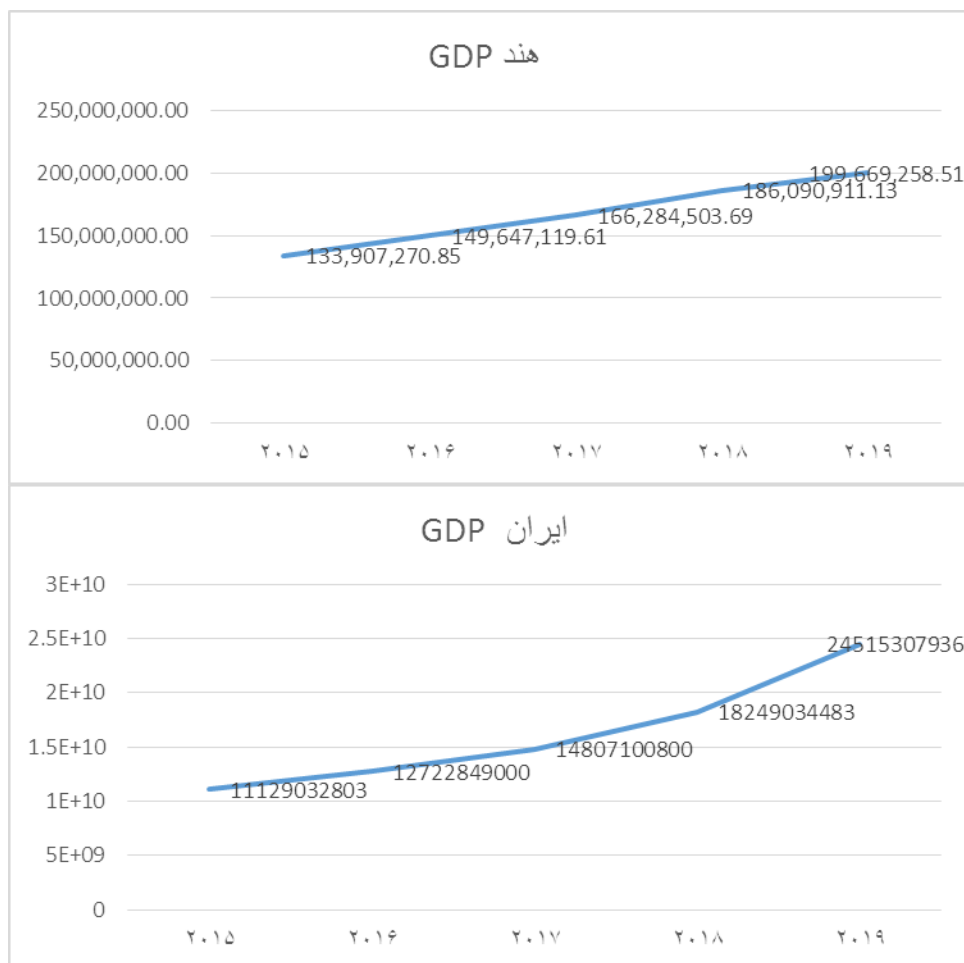
صادرات گاز طبیعی ایران به هند از طریق پاکستان اقدامی است که می‌تواند موجبات دگرگونی در سیاست‌های منطقه‌ای آسیای جنوب را فراهم آورد. دولت هند از نظر تضمین امنیت عرضهٔ گاز طبیعی از طریق خط لوله، نگران سیاست‌های پاکستان می‌باشد. از این رو تجارت و جهانی شدن اقتصاد می‌تواند به عنوان واسطه‌ای در حل اختلافات منطقه‌ای و بین منطقه‌ای نقش مثبت را ایفاء نماید (مرکز مطالعات انرژی، ۱۳۸۵).

مصرف انرژی هند طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته سالانه بین ۶ تا ۷ درصد رشد داشته است. تقاضای انرژی فعلی هند نیز در حدود ۳۱۰ میلیون تن معادل نفت خام می‌باشد و انتظار می‌رود که این میزان طی ۱۰ سال به دو برابر افزایش یابد. در حال حاضر هند ۶۸ میلیون تن نفت وارد می‌نماید که ممکن است طی ده سال آینده تا ۱۵۴ میلیون تن افزایش یابد.

از سال ۱۹۹۹ میلادی به دلیل افزایش سریع قیمت‌های جهانی نفت، اقتصاد هند تحت تاثیر واردات نفت با تنش مواجه شد و دولت هند مجدداً بر واردات مقادیر عظیم گاز طبیعی از منطقه، علاقه‌مند گردید. خطوط لوله فرامرزی یکی از بهترین راه‌های درازمدت جهت حمل گاز طبیعی به نواحی نیازمند به انرژی می‌باشد. در حالی که این مفهوم به خوبی در آمریکای شمالی و اروپا تثبیت شده است ولی هنوز راه زیادی برای پذیرش آن، در آسیا وجود دارد (Maleki, 2007).

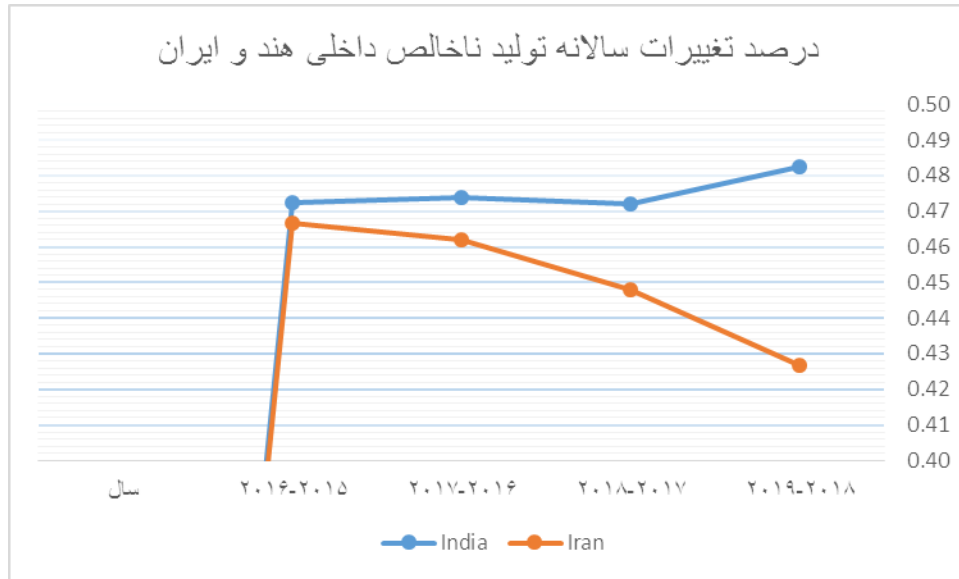
۶- مقایسه رشد و پیشرفت اقتصادی کشور ایران و هند

میزان تولید ناخالص داخلی[□] بهترین روش برای سنجش اقتصاد یک کشور است. تولید ناخالص داخلی شامل تمام چیزهایی است که توسط همهی مردم و شرکت‌های واقع در یک کشور تولید می‌شود. نمودارهای زیر تولید ناخالص داخلی دو کشور هند و ایران را در پنج سال اخیر نشان می‌دهد.



شکل ۲: درصد تغییرات سالانه تولید ناخالص داخلی ایران و هند (منبع: یافته‌های تحقیق)

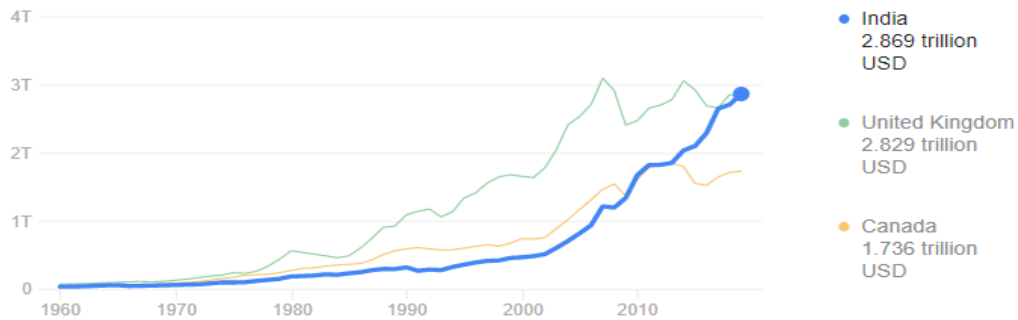
با مقایسه درصد تغییرات سالانه تولید ناخالص داخلی دو کشور ایران و هند، این امر مشهود است که کشور ایران از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به طور میانگین سالانه ۱٫۸ درصد کاهش در میزان تولید ناخالص داخلی و کشور هند به طور میانگین ۱٫۹ افزایش در تولیدات داخلی داشته است.



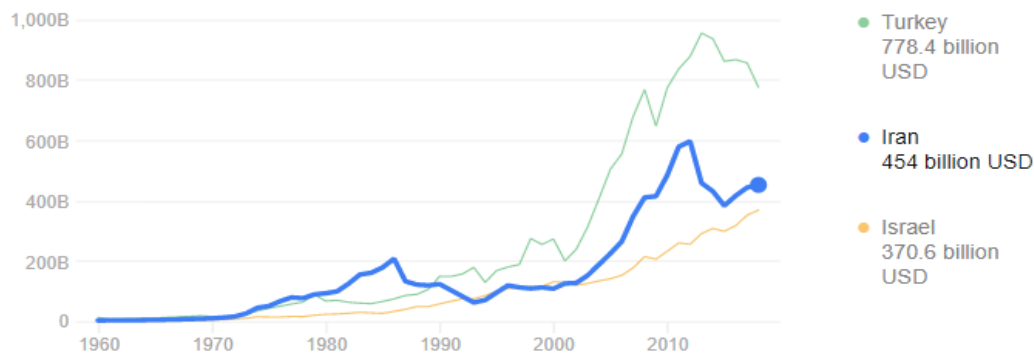
نمودار ۱: درصد تغییرات سالانه تولید ناخالص داخلی هند و ایران (منبع: یافته‌های تحقیق)

نمودارهای زیر تولید ناخالص داخلی دو کشور هند و ایران را نسبت به کشورهای هم سطح نشان می‌دهند.

2.869 trillion USD (2019)

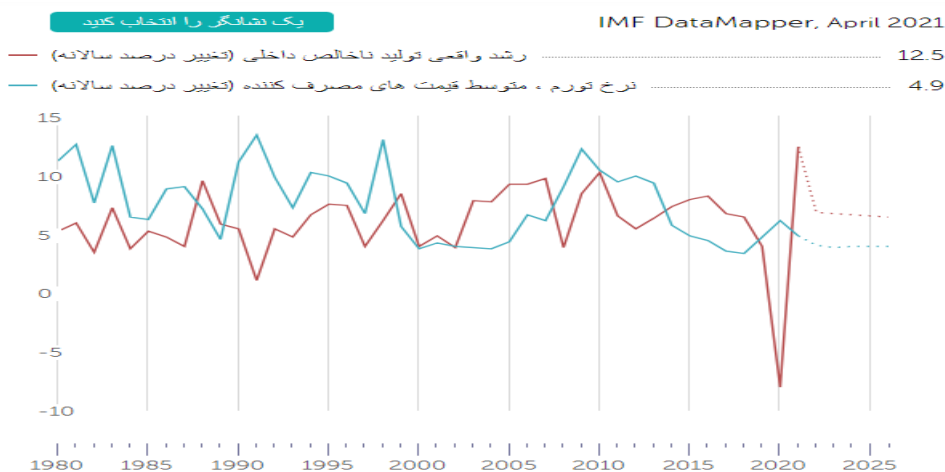


454 billion USD (2018)

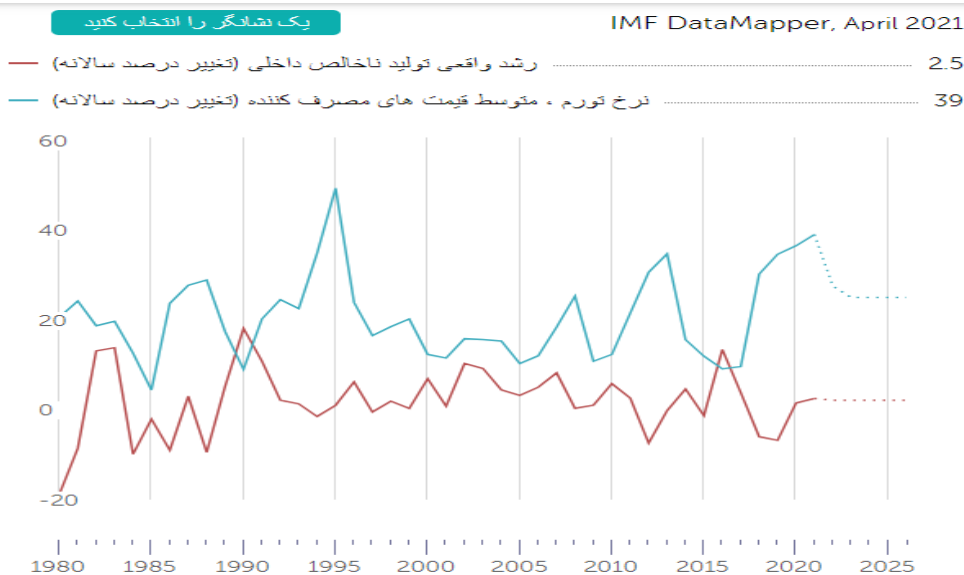


نمودار ۲: تولید ناخالص داخلی هند و ایران نسبت به کشورهای هم سطح (منبع: سایت جهانی پول)

نکته حائز اهمیت در نمودارهای فوق این است که هند به حدی از شکوفایی اقتصادی رسیده که با کشورهای نظیر انگلیس در حال رقابت اقتصادی است و حتی از آن پیشی هم گرفته است. در ادامه بررسی رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم دو کشور مورد مطالعه در سال جاری، در قالب دو نمودار زیر به نمایش داده شده است.



نمودار ۳: رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم هند (منبع: سایت جهانی پول)



نمودار ۴: رشد واقعی تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم ایران (منبع: سایت جهانی پول)

ایران به عنوان سومین کشور دارای ذخایر عظیم نفتی و دومین کشور دارای منابع گازی به دنبال یافتن بازارهای مصرف جدید است و هندوستان با جمعیت و ظرفیت بالای مصرف انرژی می‌تواند، مکان مناسبی در این جهت برای ایران باشد. با وجود این، همکاری‌های انرژی در کشور کند بوده و تنها ۸ درصد از نفت خام وارداتی هند از ایران تأمین می‌شود (نصیرپور، 1397، ص ۱۶۵).

از نظر تجاری نیز دو کشور خواهان توسعه مبادلات شمال جنوب از طریق ارتباط بنادر هند به بندرعباس و چابهار در ایران هستند. از طریق ایران نیز کالاهای مورد نظر به دریای خزر منتقل شده و به شمال اروپا و روسیه منتقل می‌شوند. در این راستا هند قراردادهایی برای توسعه بندر چابهار و نیز گسترش خطوط راه آهن از چابهار به زرنج افغانستان منعقد کرده است، هرچند این اقدامات تجاری هستند ولی پاکستان و چین معتقدند این ارتباطات ایران و هند می‌تواند صبغه نظامی نیز پیدا کند. ایران و هند به دنبال توسعه و گسترش جاده‌های زرنج و دلاران در افغانستان هستند که از طریق هرات و کابل و مزار شریف بتوانند از طریق افغانستان به هم مرتبط شوند (مختاری هشی، ۱۳۹۷).

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- با مطالعه و بررسی محیطی، چنین استنباط می‌گردد که در حال حاضر در تمامی تحلیل‌ها که از چالش‌های موجود در روابط اقتصادی ایران و کشورهای حوزه شبه قاره هند، وجود دارد، نقش ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک بازیگر فعال در محدودسازی روابط ایران با کشورهای این حوزه، به شکل بارزی خود را نشان داده حتی در روابط ایران با هند و چین نیز این روابط و وابستگی متقابل این کشورها و همچنین اثرگذاری آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت، موضع‌گیری این کشورها نسبت به ایران را مشخص می‌نماید. بنابراین هرچه نوع نگاه آمریکا بر اهمیت این منطقه بیشتر گردیده به همان اندازه بر چالش‌ها و تنگناهای ایران در این منطقه افزوده شده است. لذا ایران به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود برای صادرات انرژی و همچنین انتقال کالاهای خود به سایر مناطق ژئوپلیتیکی مثل شبه قاره هند ناچار است با تلاش جدی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی و با اعمال سیاست‌گذاری خاص، از این مزیت‌های ژئوپلیتیکی خود، نهایت استفاده را نماید. لذا چشم انداز منافع جمهوری اسلامی ایران در حوزه شبه قاره هند در چگونگی تعامل با آمریکا رقم می‌خورد. بطور خلاصه میتوان گفت عوامل همگرایی بیشتر ایران و هند در منطقه موجود است اما با توجه به تاثیر آمریکا در منطقه و ارتباط با هند این همگرایی در سایه ارتباط با کشور موصوف، قرار گرفته است.

۷-۲- تنوع نهادها و آرایش‌های دیپلماتیک تعامل و همکاری و کثرت طیف‌های بازیگران و قدرت‌های آسیایی یکی از دلایل عمده عدم همگرایی سیاسی در منطقه شبه قاره هند محسوب می‌شود. نوع پیوندهای کشورهای شبه قاره هند با قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز یکی دیگر از چالش‌های همگرایی در منطقه شبه قاره هند به شمار می‌رود. قدرت‌های فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا و اتحادیه اروپا از سیاست‌های ایجابی در زمینه همگرایی در منطقه شبه قاره هند پیروی نمی‌کنند بلکه در صدد هستند تا با تعامل با نهادهای منطقه‌ای شبه قاره هند در جهت مدیریت آنها گامبرداری نموده و مانع از توسعه و پیشرفت کشورهای این حوزه در سطح جهانی گردند. مختصراً میتوان اظهار داشت که نوع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سوگیری ارتباط این قدرت‌ها با یکدیگر از مهمترین عوامل تاثیرگذار در واگرایی کشورهای مورد مطالعه می‌باشد.

۷-۳- کشور جمهوری اسلامی ایران در بحث ژئواستراتژی و رقابت بین قدرت‌های باری و بحری قرار داشته و به لحاظ موقعیت جغرافیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از طرفی به‌عنوان بیضی استراتژیک انرژی نامگذاری شده است. منطق اقتصادی عامل بسیار مهمی برای تقویت چارچوب‌های منطقه‌گرایی و تحقق همگرایی اقتصادی، مالی، اجتماعی، تجاری و فرهنگی در بین کشورهای حوزه شبه قاره هند، به شمار می‌رود. آنها تاکنون از همکاری‌های اقتصادی بسیار بهره مند شده اند و باید به دنبال

گسترش این همکاری‌ها به منظور تحقق همگرایی و رسیدن به هویت آسیایی مشترک باشند. از سوی دیگر برای ایجاد همگرایی بین کشورهای شمال اقیانوس هند باید اعتمادسازی بین کشورها صورت گیرد زیرا بدون آن، منطقه‌گرایی ایجاد نخواهد شد. به طور موجز و مختصر می‌توان اشاره نمود که دو عامل منطق‌گرایی اقتصادی و اعتمادسازی بین کشورها از اصلی‌ترین مولفه‌های همگرایی کشورهای موضوع پژوهش می‌باشند.

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی محیطی، چنین استنباط می‌گردد که در حال حاضر در تمامی تحلیل‌ها که از چالش‌های موجود در روابط ایران و هند، وجود دارد، نقش ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک بازیگر فعال در محدودسازی روابط ایران با این کشور، به شکل بارزی خود را نشان داده است. بنابراین هرچه نوع نگاه آمریکا بر اهمیت این منطقه بیشتر گردیده به همان اندازه بر چالش‌ها و تنگناهای ایران در این منطقه افزوده شده است. لذا ایران به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود ناچار است با تلاش جدی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی و با اعمال سیاست‌گذاری خاص، از این مزیت‌های ژئوپلیتیکی خود، نهایت استفاده را نماید. بدون شک سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران، مزیت‌های ژئوپلیتیکی حوزه شمال اقیانوس هند را درک نموده و با آگاهی کامل به این موضوع، تدوین سیاست‌گذاری‌های آتی خود را مشخص و در دستور اجراء قرار می‌دهند. آنچه که مسلم است تلاش جدی‌تر و تغییر رویه جهت جلب نظر کشور هند، ضروری به نظر می‌رسد.

کشور هند با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود در منطقه، کشور ایران را از طریق خطوط ویژه ارتباطی نظیر خطوط انتقال لوله گاز و همچنین با فعالسازی مناطق آزاد مستقر در کشور ایران می‌تواند به عنوان پیونددهنده ارتباط بین کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز با کشورهای حوزه شبه‌قاره هند در کانون توجه قرار دهد، اما در حال حاضر به دلیل سوگیری روابط ایران با آمریکا، هند اقدامات خود را متوقف نموده است. بنابراین بر طبق مطالعات صورت گرفته و عوامل تعیین‌کننده ژئوپلیتیکی، فرضیه اول پژوهش حاضر مورد تایید قرار گرفته است.

در ارتباط با تقویت همگرایی بین ایران و کشورهای حوزه شبه قاره هند و بطور خاص هند، انتظار می‌رود که در صورت کاهش سوگیری‌های ایران در روابط با آمریکا و پرهیز از امنیتی کردن مذاکرات ایران با کشورهای منطقه شبه قاره هند، شاهد افزایش چشمگیری در این زمینه باشیم. بنابراین بر طبق پژوهش‌های به عمل آمده و موارد معنونه، فرضیه دوم پژوهش پیش رو مورد تایید قرار نگرفته است، چرا که تقویت همگرایی بین کشورهای مورد مطالعه تحت الشعاع دو مورد مذکور می‌باشد که در حال حاضر مرتفع نشده اند.

به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که عوامل ارتقاء همگرایی ایران و هند در منطقه موجود است اما با توجه به تاثیر آمریکا در منطقه و ارتباط با هند، این همگرایی در سایه ارتباط با کشور موصوف قرار گرفته است. همچنین نوع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سوگیری ارتباط این قدرت‌ها با یکدیگر از مهمترین عوامل تاثیرگذار در واگرایی کشورهای مورد مطالعه پژوهش حاضر می‌باشد. به نظر می‌رسد که اولاً پیوند منافع کشورهای شبه قاره هند از طریق سواحل عمان با بکارگیری ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی مناسب در سواحل جنوب شرق ایران و منطقه آزاد چابهار توسط کشور ایران امری حائز اهمیت بوده، و

همچنین ارتقاء منزلت ژئوپلیتیکی کشور ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و تکنولوژی کشور هند و اتصال ایران از طریق این کشور به اقتصاد جهانی برای توسعه و رشد بیش از پیش آن لازم است.

در خصوص سیاست کاربردی برای جمهوری اسلامی ایران می‌توان اظهار داشت که این‌طور به نظر می‌رسد ایران با اتخاذ سیاست تعاملی با کشورهای هم‌پیمان هند می‌تواند زمینه را برای فعال‌سازی کریدور شمال - جنوب که هم سبب اتصال کشور هند به آسیای مرکزی و افغانستان شده و هم باعث تقویت همگرایی و وابستگی متقابل دو کشور به یکدیگر (کشور هند به عنوان مصرف‌کننده انرژی و ایران به عنوان تولیدکننده انرژی) شود.

منابع و ماخذ:

- ۱- احمدی‌پور، زهرا، (۱۳۹۳)، تحلیل فضایی خطوط انتقال انرژی در ایران. تحقیقات کاربردی علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۳۴.
- ۲- آدمی، علی (۱۳۸۹) تاثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه قاره هند (با تاکید بر خط لوله‌ی صلح)، مطالعات شبه قاره هند، سال دوم، شماره سه، صص ۲۸-۷.
- ۳- باقری، مجید. تاجفر، رضا. (۱۳۹۴) جغرافیای سیاسی ایران و نقش آن در مناسبات اقتصادی با شبه قاره. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد. ۱۳۹۴-۰۴-۰۸، صص ۸، ۹.
- ۴- تقفی‌عامری، ناصر (۱۳۹۱) استراتژی و تحولات ژئوپلیتیک بعد از جنگ سرد، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۵- جعفری‌ولدانی، عسکر (۱۳۸۳) ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: انتشارات مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا، هادی پور، میثم، خراشادی زاده، محمدکاظم (۱۳۹۹) بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی در بحران‌های شبه‌قاره‌هند (جنوب آسیا)، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال ۲۰، شماره دوم، صص ۷۶-۵۷.
- ۷- زارعی، بهادر (۱۳۹۷). کتاب قرن بیست و یکم قرن آسیا - پاسیفیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- شریعت‌پناهی، مجیدولی، کریمی‌پاشاکی، سجاد (۱۳۹۶) تحلیل جایگاه ایران در حوزه ژئواستراتژیک اقیانوس هند با تاکید بر ارائه یک مدل راهبردی در سیاست خارجی و برنامه ریزی اقتصادی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۴۳-۲۲۳.
- ۹- عسکریان، حسین (۱۳۹۲). آسیا (ارتباطات فضایی ویژه روابط ایران و هند). تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۰- مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۷) تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷ صص ۸۲ - ۵.

- ۱۱- مختار هشی، حسین و حمیدرضا نصرتی (۱۳۸۹)، امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره دوم.
- ۱۲- متقی، افشین (۱۳۹۵). تبیین ژئوپلیتیکی فضاهاى رقابت در جنوب شرق ایران و پیشنهاد ائتلاف ژئواکونومیک ایران، عمان، هندوستان و روسیه؛ مجموعه مقالات همایش فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های جنوب شرق کشور، دوره یک، صفحه ۷۸۸-۷۰۱.
- ۱۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- نصیریپور، غلامرضا (۱۳۹۷). ارتباطات ایران- هند با چشم‌انداز آینده، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره ۴، صص ۱۸۷-۱۶۵.
- ۱۵- ویسی، هادی (۱۳۹۴) مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- ویسی، هادی (۱۴۰۰) بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک چین و هند در اوراسیا؛ کریدورهای ارتباطی و ژئوپلیتیکی بنادر چابهار و گوادر، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۳، شماره ۱، صص ۲۲۶-۲۱۳.
- ۱۷- Ashwarya, Sujata(2010), India–Iran Relations Progress, Challenges & Prospects. India Quarterly a Journal of International Affairs 66(4):383-396. <https://doi.org/10.1177%2F097492841006600404>
- ۱۸- Christensen, Janne Bjerre(2011), Iran’s troubled relation to Afghanistan and Pakistan. Danish Institute for International Studies. ISBN 978-87-7605-442-7. Pp 1-52. <http://www.econstor.eu/bitstream/10419/59867/1/656976020.pdf>
- ۱۹- Cohen,S.B.(2015).Geopolitics:the geography of international relations. Rowman& Littlefield .
- ۲۰- Dougherty, J.E., & Pfaltzgraff, R.L. (2009). Contending Theories Of International Relations: A Comprehensive Survey.
- ۲۱- Green,Mihael, J and Andrew Shearer (2012), Defining U.Indian Ocean Strategy CSIS Center Spring 2012 .
- ۲۲- Hilali, A. Z. (2001). India’s strategic thinking and its national security policy. Asian Survey, 41:5, pp. 737–764. ISSN: 0004–4687. <https://library.fes.de/libalt/journals/swetsfulltext/14218805.PDF>
- ۲۳- Huntington(1999), Understanding Political development, Translation of Strategic Studies Research Institute, First Edition, Publications of the Research Institute for Strategic Studies.
- ۲۴- Klar,T Michael.(2007).oil, geopolitics reborn: oil, natural gas and other vital resources, new england journal of public policy, issue 2 special issue: climate,water and oil, volume 21.
- ۲۵- Martiningui, Ana and Youngs, Richard (2011), “Geo- Economic Futures,” in Challenges for European Foreign Policy in 2012: What kind of geo- economic Europe? Madrid: FRIDE.
- ۲۶- Maleki, Abbas (2007), Iran-Pakistan-India Pipeline: Is it a peace Pipeline? MIT’s Center for International Studies. PSB 07-08-0735. Pp1-4. September 2007- 07-16.

- ۲۷- Medcalf , RORY.(2013). India Poll 2017 :Facing the future – indian Views of the world ahead,Lowy Institute for International Policy.
- ۲۸- Moyer, Rechard(2012), A new introduction to political geography. Translator Doreh Mirheydar. Tehran:Geographical Organization of the Armed Forces.
- ۲۹- Patti, Charles(2002), Political Talk and Voting, Environment and Planning, Bristol, England.
- ۳۰- Pal Singh sidhu, Waheguru (2016), The United States, India and Iran: Managing a delicate balance. Center on international cooperation. Pp. 1-40. https://cic.nyu.edu/sites/default/files/sidhu_iran_india_final_1.pdf
- ۳۱- Raza, Fatima (2019), Prospects for Pakistan-China-Iran Trilateral Cooperation: Opportunities and Ch allenges. Strategic Studies, Vol. 39, No. 3 (Autumn 2019), pp. 37-52. https://www.jstor.org/stable/48544309?seq=1#metadata_info_tab_contents.
- ۳۲- Singh, Sandeep. Singh, Bawa (2019), Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for "Sino-Pak Axis". Geopolitics Quarterly. June 13, 2019 Research Article. Pp. 1-17. <https://doi.org/10.1177/1879366519850712>.